

۳

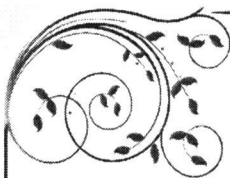
۱

۲۴۸

مغزل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

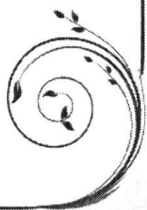
www.Ketab.ir



بزرگ تر از کج نونی

نویسنده: لورل اسنایدر
مترجم: فاطمه عیدی زاده

Bigger than a bread box
SNYDER LAUREL



سرشناسه: اسنایدر. لورل

عنوان و نام پدیدآور: بزرگ‌تر از جا نونی / مؤلف: لورل اسنایدر

مترجم: فاطمه عبدی‌زاده

مشخصات نشر: قم، آوای منجی ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۲۴۸

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۰-۰۵۴-۷

شماره: ۲۴۰۰۰۰ ریال

موضوع: داستان‌های نوجوانان انگلیسی - قرن ۲۱م

مجموعه: Young adult fiction - English--21st century

رده بندی دیویی: ۸۱۴ / ۸۲۳ [ج]

رده بندی شکره: ۱۲ / ۱۱ / ۵ الف / ۷ PZ

سرشناسه: اسنایدر، لورل

Snyder, Laurel

شناسه افزوده: عبدی‌زاده، فاطمه، ۱۲۶۵ - مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۸۱۳-۱۸۹

نام کتاب: بزرگ‌تر از جا نونی

نویسنده: لورل اسنایدر

مترجم: فاطمه عبدی‌زاده

انتشارات: آوای منجی

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپخانه: هوشنگی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۰-۰۵۴-۷

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد.

دفترقم: خیابان معلم - معلم ۱۰ - کوچه ۵ (شهید فلسفی) پلاک ۴ همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶

همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۳۶۹۱۳ - ۳۷۷۴۸۳۷۰

www.mobineandishe.com

www.mobineandishe.ir

فهرست مطالب

۹.....	فصل اول.....
۱۵.....	فصل دوم.....
۲۷.....	فصل سوم.....
۴۱.....	فصل چهارم.....
۵۱.....	فصل پنجم.....
۶۱.....	فصل ششم.....
۷۳.....	فصل هفتم.....
۸۱.....	فصل هشتم.....
۹۵.....	فصل نهم.....
۱۰۳.....	فصل دهم.....
۱۱۱.....	فصل یازدهم.....
۱۲۳.....	فصل دوازدهم.....
۱۳۹.....	فصل سیزدهم.....
۱۴۹.....	فصل چهاردهم.....
۱۶۳.....	فصل پانزدهم.....
۱۷۳.....	فصل شانزدهم.....
۱۸۹.....	فصل هفدهم.....
۱۹۷.....	فصل هجدهم.....
۲۰۱.....	فصل نوزدهم.....
۲۱۳.....	فصل بیستم.....
۲۲۵.....	فصل بیست و یکم.....
۲۳۱.....	فصل بیست و دوم.....
۲۴۳.....	فصل بیست و سوم.....

پیشتر

یادم می‌آید یه بار، من و مری کیت^۱ توی زمین بازی، روی تاب نشسته بودیم درحالی که منتظر آقای سافتی^۲ بودیم تا پایین تپه پیش ما بیاد. ما می‌تونستیم صدای مریک رو از کامیونش بشنویم. من یه اسکناس پنج دلاری رو توی مشتم مجاله کرده بودم که از عرق خیس شده بود. پاهام که توی دمپایی هام^۳ انگشتی بود کثیف شده بودن. تابستون بود.

بعد، درست جلوی صورت ما یه مرغ دریایی از ناکجاآباد^۴ پایین آمد و چند قدم اونطرف تر روی زمین افتاد. اون پرنده اصلاً از ما نترسید. تکه‌ای از یک ساندویچ ژامبون توی دهنش بود.

مری کیت مستقیم به پرنده لگدی زد و گفت: "اوه، مرغ دریایی... اونا خیلی زشتن."

1 - Mary Kate

2 - Softie

پرنده تکنون نمی‌خورد.

منم لگدی بهش زدم و گفتم: "آره، زشتن."

حق با مری کیت بود. مرغ‌های دریایی، وحشی و زشت بودن. اونا زیاد می‌کشن و روی سرتون خرابکاری می‌کنن. اونا زباله می‌خورن، های زشت و چشم‌های خشمگینی دارن. آنها گوشت رو دوست دارن و همه‌ش رو گسنه‌ان. فقط آدم‌هایی که اونا رو نمی‌شناسن فکر می‌کنن این پرنده‌ها زیبا و بی‌عیبان، سفید، بلندپرواز، شیرجه‌زن و همه‌چیز نموه.

اما من تحت‌تأثیر این پرنده قرار گرفتم. او اصلا به این که ما از او بزرگ‌تریم توجه نکرد. به این که به او لگد زدیم اهمیت نداد. حتی زمانی که بلند شدیم و دیدیم از کنارش رد شدیم تا بریم بستنی بخریم، تکنون نخورد.

او یک ساندویچ داشت و می‌خواست اون رو بخوره. اینجا زمین بازی او بود و او تصمیم نداشت جای دینه‌ای بده.

هرگز اون پرنده‌ی خاموش و بی‌صدا رو فراموش نکردم.